

ادامه

کنفرانس سویس، نمایش تبانی دولت سویس و جمهوری اسلامی است!

بهرتر است با گرفتن ۲۰۰۰ خودشان، پناهجویان فرانک و وعده مساعدت مالی برای ساختن مجدد زندگیشان، قبل از اینکه دستبندها به دستهایشان خورده و به زور سوار هواپیما شوند، داوطلبانه و مشتاقانه سوار هواپیما شده و راهی ایران شوند. دوم و از همه مهمتر اینکه در این اعلامیه پلیس و اداره فدرال دولت سویس، پناهجویان ایرانی به قول

خودشان، پناهجویان اقتصادی معرفی میشوند. کسانی که گویی مشکل اعدام، شکنجه، دستگیری، سنگسار، حجاب اجباری، فقدان آزادی بیان و تشکل و محرومیت و عدم حق اعتراض و گریخته اند، هیچ گونه خطر آنها را در بازگشتشان به ایران تهدید نمیکند، این دستگیری قرار بگیرد. اما اطلاعیه رسمی مقامات

دولت سویس برای تبریئه کردن یک رژیم جنایتکار است که گویی میلیونها نفر نه از دست خفقان مذهبی، زن آزاری سیستماتیک دولتی، فقر و محرومیت و عدم حق اعتراض و گریخته اند، هیچ گونه خطر آنها را در بازگشتشان به ایران تهدید نمیکند، این دستگیری قرار بگیرد، بلکه تنها دغدغه شان پول

توجیهی این بازگشت مشتاقانه است و گویا میتوان سر یک جنبش عظیم مبارزه علیه اخراج و حق اقامت را با این وعده ها زیر آب کرد. این اطلاعاتی و سیاستهای دولت سویس ادامه تبانی این دولتها با تلاشهای مذبحخانه جمهوری اسلامی برای آبروخردن است. ادامه تشبیت موقعیت جمهوری اسلامی در افکار عمومی مردم دنیا به عنوان یک رژیم تروریست، یک رژیم سراپا خشونت و یک آپارات قتل و جنایت، یک رژیم ضد زن و ضد کارگر، در آخرین نشست کمیسیون حقوق بشر با اختلاف یک رأی قرار است موقعیت بهتری را خریداری کند. این ادامه تلاش دول غربی برای نگه داشتن یک حکومت طالبان در ایران است. این تلاشها مورد نفرت جنبش آزادیخواهانه و سرنگونی طلبانه مردم ایران، مورد خشم و نفرت و انزجار میلیونها نفر پناهجو و مورد اعتراض کل بشریت متمدن و آزادیخواهی است که در کنار ما و در کنار مبارزه مردم ایران برای خلاص شدن از شر این حکومت هستند. حق اقامت، حق برخورداری از حقوق انسانی حق همه کسانی است که از این جهنم گریخته اند. هیچ انسانی را نمیتوان نه با زور و اجبار و نه با چنین کمپینهای کشیفی

اجبار به بازگشت پناهجویان شریک شدن در جرم و جنایت حکومت اسلامی است!

دو پناهجوی ایرانی که از سوی دولت استرالیا رد شده بودند، هنگام بازگشت به ایران بازداشت شدند و به دادگاه انقلاب احضار شده اند. تلفنهایشان کنترل، رفت و آمدشان تحت نظارت رژیم می باشد و از حق کار و یا داشتن پاسپورت محروم شده اند. این دو پناهجو بعد از نزدیک به دو سال زندانی در "بازداشتگاه وومرا" "داوطلبانه" برگشتند.

یکی از این دو نفر به روزنامه "ایچ" استرالیا گفت: "من خیلی می ترسم... نمی دانم از امروز به فردا چه اتفاقی خواهد افتاد. آینده ای برای من وجود ندارد. خانواده ام تحت فشارند که با من قطع رابطه کنند." او گفت که بخاطر فشارهای روحی دوران بازداشت بعد از دو سال تصمیم گرفت که به ایران برگردد. "در اعتراضات سال پیش، مامورین بازداشتگاه بد جور مرا مورد ضرب و شتم قرار دادند. هر روز پناهجویان خود کشی و یا به خود آسیب می دادند. من فکر می کردم چیزی بدتر از آن نمیتوانست وجود داشته باشد، اما اشتباه کردم." نفر دوم نیز گفت که بعد از ورود به تهران برای ۶ ساعت بازجویی شد و به او احضاریه برای حضور در دادگاه داده شده است. او گفت که از او خواسته بودند که بدانند چرا جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داده بود و درخواست پناهندگی اش بر چه مبنایی بوده است. در ضمن او به خروج غیر قانونی از ایران متهم شده است.

پناهجویان ایرانی در استرالیا نگران دو نفر دیگر هم می باشند که غیبتشان زده است. اولی که خانواده اش منتظرش بودند از فرودگاه مهرآباد اصلاً خارج نشده است و دومی بعد از چند روز ناپدید شده است.

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی سیاستهای راست و ضدانسانی دولت استرالیا را شدیداً محکوم میکند. دولت استرالیا و جمهوری اسلامی مسئول مستقیم این وضعیت ضدانسانی پناهجویان اخراجی چه در خود استرالیا و چه در ایران است. نباید گذاشت که پناهجویان این چنین تحت فشاری غیرقابل تحمل قرار بگیرند تا به اخراج و بازگشت تن دهند. حق پناهندگی حق همه کسانی است که از جهنم اسلامی ایران گریخته اند. محکوم کردن مردم به چنین سرنوشتی به بازگشت به جهنم کنترل پلیسی و محرومیت های اجتماعی و فشار و خشونت پلیسی عملی به غایت ضدانسانی است.

ما همه پناهجویان را به اتحاد و مبارزه، به مبارزه متشکل تحت پرچم یک جنبش رادیکال و انسانی، تحت پرچم همبستگی فرا میخوانیم.

دبیرخانه مرکزی همبستگی - فدراسیون پناهندگان ایرانی

۲ مه ۲۰۰۲



نتایج و اهداف "یک روند چهار ساله"

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل جمهوری اسلامی را از لیست کشورهای نقض کننده حقوق بشر خارج کرد!



محمد شکوهی

بیش از سه هفته است که کنفرانس سالانه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو در جریان است. در همین رابطه روز سه شنبه ۲۳ آوریل موريس کاپیتورن نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر در امور ایران، در مصاحبه مطبوعاتی با خبرنگاران اعلام کرد که "قطعنامه پیشنهادی از طرف آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در باره ادامه نقض حقوق بشر در ایران در این نشست به تصویب نرسیده است." بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی از لیست کشورهای نقض کننده حقوق بشر با تلاش های وسیع دیپلماتیک شخص کاپیتورن و همسویی و همگامی کشورهای عربی با شرکای اروپایی اش خارج شد. جناب کاپیتورن در پاسخ به سوالی در خصوص "دلایل و زمینه های" این تصمیم کمیسیون به خبرنگاران گفت: عدم تصویب "قطعنامه نقض حقوق بشر" در ایران نتیجه "یک روند چهار ساله" می باشد. روندی که از نظر ایشان حاصل "ملاقاتهای

وسیع" و "نشستهای گسترده این کمیسیون" با حضور شخص وی با مقامات ایرانی و حقوقدانان اسلامی از کشورهای اسلامی می باشد. ایشان در کمال بی شرمی اعتراف می کنند که تا به حال نشستهای "نتیجه بخشی" با مقامات قوه قضائیه رژیم، قضات دادگستری، مقامات دادگاههای عالی رژیم، با فقهای شورای نگهبان و فرستاده گانشان به ژنو و با هیات دائمی رژیم جمهوری اسلامی در کمیسیون حقوق بشر داشته است. وقاحت و بی شرمی این جناب تاحدی پیش رفته که از جلادان و جانیان آدمکشهای چون یزدی، علیزاده، نمازی، شاهرودی که مستقیماً دستشان به خون هزاران انسان آلوده بوده و از مقامات مسئول سیستم قضایی رژیم صد هزار اعدام می باشند، به عنوان "حقوقدانان بلند پایه" که در دیدارهای وی با ایشان بارها "تعهد" خودشان را مبنی بر رعایت حقوق بشر اعلام کرده اند، نام می برد. کاپیتورن می گوید که سران حکومت به ایشان قول داده اند که حقوق بشر اسلامی، قوانین و احکام مجازات اسلامی که جزیی از "حقوق بشر" برای بیش از یک میلیارد مسلمان" باشد، را رعایت خواهند کرد. محور

مباحثات و نشستهای کاپیتورن و نمایندگان کشورهای اسلامی در چند ساله اخیر با رژیم اسلامی "متقاعد کردن" جمهوری اسلامی بر اجرای "تعهداتش مبنی بر رعایت حقوق بشر" بوده است. جناب کاپیتورن پا را فراتر گذاشته و خوشحالی خود را مبنی بر اینکه "ایرانیان تلاش هایشان را برای بهبود و رعایت حقوق بشر" در چند ساله اخیر افزایش داده، ابراز کرده و این مسئله مایه "دلگرمی" ایشان می باشد. در کنار این تلاش های شخص کاپیتورن شرکا و هواداران رژیم جمهوری اسلامی و مدافعان تئوری ارتجاعی "نسبیت فرهنگی" در اروپا کمپین وسیعی را برای "خارج کردن کشورهای اسلامی از" اتهام نقض حقوق بشر" توسط این کشورها به راه انداخته اند. هواداران مرتجع این تئوری با حرکت از تز ارتجاعی "احترام به فرهنگها، رعایت آداب، رسوم، و تلقی های دیگر از حقوق بشر" گستاخی و بی شرمی شان را به جایی رسانده اند که خواهان ضمیمه کردن "حقوق بشر اسلامی" به چارت حقوق بشر سازمان ملل شده اند. روند چهارساله ای که جناب کاپیتورن از آن به عنوان "یک روند مثبت" یاد می کند، چیزی نبوده و

نیست جز پروسه لاس زدن این کمیسیون با رژیم اسلامی، به رسمیت شناختن قوانین و مقررات جاری در قانون اساسی رژیم، تأیید اقدامات و عملکردهای جانیان حاکم بر ایران و تلاش برای آبرو خریدن برای رژیم، و وارد کردنش در "جرگه دنیای متمدن" و در یک کلام دفاع از اسلام و حکومت اسلامی. از نظر کمیسیون حقوق بشر اعدام، سنگسار، زندان، شکنجه، نقض حقوق کودک، اعدام های بدون محاکمه در ملاعام، تفتیش عقاید، نبود آزادی بیان، و رعایت حقوق بشر از اجتماعات، نبود حق

ادامه

کنفرانس مقامات دولت سوئیس

همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی، همه پناهجویان و مردم آزادیخواه را به اعتراض علیه این کنفرانس فرا میخواند. باید با اعتراض و مبارزه خود تلاشهای دولت سوئیس را وادار به عقب نشینی و این کنفرانس را به شکست کشانید. فدراسیون همه پناهجویان را به مقابله با اخراج، مقابله و به شکست کشاندن طرح آبرو خریدن برای یک حکومت جنایتکار دعوت میکند.

دبیرخانه مرکزی همبستگی ۱ ماه می

از سایت همبستگی - فدراسیون سراسری پناهندگان دیدن کنید

www.hambastegi.org

جدیدترین اطلاعاتی های فدراسیون، جدیدترین شماره نشریه همبستگی، آخرین اخبار و رویدادهای پناهندگی و مقالات متنوع دیگر را میتوانید مطالعه کنید.

نشست اخیر سران اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ و عواقب آن!

ادامه

نتایج و اهداف "یک روند چهار ساله"

طرف "حکومت اسلامی دانسته و آب پاکی بر روی دستان این جانیان می ریزد. ارزیابی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل مبنی بر "بهبود" حقوق بشر در ایران، کمپین تبلیغاتی و کثیف مدافعین و هواداران اسلام در اروپا برای خریدن آبرو برای رژیم جمهوری اسلامی، اقدامی بر علیه مردم ایران و کنار آمدن با یکی از کثیف ترین و وحشی ترین حکومت های دیکتاتوری بوده و تلاشی است برای باز کردن بیشتر حوزه نفوذ و منطقه عملیاتی جانیان اسلامی و این بار با همکاری شرکای اروپایی شان برای تثبیت و رسمیت دادن به بربریت اسلامی و تحمیل آن به مردم ایران می باشد. این اقدام از نظر مردم ایران محکوم بوده و مردم ایران کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل را شعبه ای از "دادگاههای مدنی رژیم اسلامی" دانسته و فرقی بین عملکرد های رژیم و تأیید آن از طرف این کمیسیون نخواهند گذاشت. جناب کاپیتورن و شرکا باید بدانند که مردم ایران خارج کردن رژیم اسلامی از لیست کشورهای نقض کننده حقوق بشر در جهان را یک همسویی آشکار و همراهی این کمیسیون با رژیم اسلامی دانسته و آن را بشدت محکوم می کنند. باید بر علیه این اقدام بی شرمانه کمیسیون بشر و کنار آمدنش با جانیان حاکم بر ایران مبارزه ای وسیع را سازمان داد. باید به این کمیسیون و شخص کاپیتورن و شرکای اروپایی شان حالی کرد که حقوق بشر کذایی شان فقط به اندازه سهام و بورس شرکت ها و کمپانی های غربی با جمهوری اسلامی ارزش داشته و سقوط و صعود آن هم تابعی از روند بازار بورس حقوق بشر غربی و درجه و میزان سودشان در این معامله می باشد. داعیه های "دفاع از حقوق بشر" غرب و این کمیسیون به ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی که می رسد رنگ باخته، ادعاها، و محتوایش اسلامی شده و جناب کاپیتورن در سمت مشاور فقهای شورای نگهبان و مقامات قضایی از "عدم اجرای قوانین جزای تعبیه شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی" فقط "گلایه" کرده و جانیان اسلامی را فرامی خواند، تا در چهارچوب قانون اساسی شان حقوق بشر اسلامی شان را بر کرده مردم تحمیل نمایند.

های آموزشی برخوردار شوند. بویژه در زمینه تحصیلات در مراحل مختلف فرزندان پناهجویان از امکانات بیشتری برخوردار خواهند شد. خود گردن گذاشتن این نشست به این حقوق که از سوی کمیساریای سازمان ملل با هیجان مورد استقبال قرار گرفته، نشان میدهد که چه هجوم وحشیانه ای را خود اینها به حقوق انسانی سازمان داده بودند و هنوز هم در پی آنند. همینکه کودکی به خاطر عدم حق اقامت پدر و مادرش از حق تحصیل محروم باشد، اقرار به وجود راستترین سیاستها در برخورد به انسان و حقوقش میباشد. اینها کسانی هستند که قرار نیست جامعه «فاشیست» قلمدادشان کند و بر علیه شان تظاهرات راه بیندازد. به ظاهر در رأس تمام دولتتهای اروپای غربی سیاستهای لیبرالی را دنبال میکنند. امشال لوپن اپوزیسیونشان است. اما در عمل، اینها هستند که دولت و اقتدار را وسیله عملی کردن راست ترین و فاشیستی ترین قوانین کرده اند. اینها هستند که نظم نوین جهانیان را با فقر و ستم و استثمار و بردگی و نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی استقرار بخشیده اند. راه پایان دادن به این مصائب پایان دادن به عمر اقتدار و دولت اینهاست. دنیای امروز به مانیفست جنبش دیگری به بیانیه جنبش طبقه دیگری برای تعریف حقوق پایه ای انسان نیازمند است. عمر تعریف کردن حقوق انسانی مردم از جانب جنبشهای طبقه خود اینها و تحویل آن به ما به سررسیده است.

نشست، گردن به پاره ایی از مسائل گذاشته میشود که در بهترین حالت آن حق و اجازه کار است. دولتمردان اتحادیه اروپا لطف کرده و یادآوری میکنند که به خاطر کم کردن فشار اقتصادی ناشی از عدم اجازه کار آنها، میتوان در همه کشورها سقف یکسال را پذیرفت و به همه پناهجویانی که یک سال در کشور هستند، رسماً اجازه کار داد. چندوچون این اجازه و مدت آن را البته خود این دول تعیین میکنند. ناگفته پیداست که محدودیت بر اجازه کار را همچنان و تا حدودی برای حفظ دستمزدهای پایین این کارگران ارزان همچنان نگه خواهند داشت. در خود آلمان رسماً و علناً حتی به پناهجویانی که اجازه کار دارند، در صورت یافتن کار، ابتداء این کار به یک آلمانی، بعداً به ترتیب، مردمی که از کشورهای عضو اتحادیه اروپا می آیند، سپس اروپای شرقی، بعداً حتی در آسیا هم کشورها به ترتیب دسته بندی میشوند و در ته جدول به این یا آن پناهجوی آفریقایی و یا غیره لطف کرده اجازه میدهند که کار کند و استثمار شود و نیروی کارش را بفروشد. در باره حقوق کودکان پناهجو هم زیر فشار افکار عمومی و کمپینی که هم اکنون در غالب کشورهای اروپایی و بویژه در آلمان در نقض حقوق کودک به راه افتاده است به این رضایت داده اند که در باره کودکان، زنان باردار، و معلولین حقوقی را به رسمیت بشناسند. کودکان پناهجو از این پس میتوانند، بدون تأثیر کیس خانواده خود، از امکان تحصیل و دوره روز پنجشنبه هفته گذشته در لوکزامبورگ سران دول اتحادیه اروپا در طی نشست در باره همسان سازی قوانین پناهندگی به بحث و گفتگو پرداختند. اگر چه در پاره ایی مسائل به توافق نرسیدند، اما سرخط مهم توافقات آنها به تغییراتی در وضعیت پناهجویان منجر خواهد شد. خطوط اصلی توافقات آنها، از سویی تأکید بر تشدید کنترل پلیسی در مرزها، جریمه کردن و بازخواست دولتهایی که از مرزهای آنها بویژه با کشتی پناهجویان به سمت اروپا فرار میکنند. تأکید بر تشدید فشار دولتهای اروپایی بر پناهجویان در معرفی دائمی خود به ادارات خارجیها و سوسیال بود. آنها مجبور شدند به خاطر این تأکیدات در عین حال یادآور شوند که فشار به پناهجویان نباید تا سطح محروم کردن آنها به وسیله عدم پرداخت هزینه زندگی و قطع امکانات پزشکی منجر شود. هدف از این همسان سازی، جلوگیری از انتخاب کشورهایی برای ورود پناهجویان است، که تعرض به حقوق پناهجویان توسط آنها با اعتراض و مبارزه بیشتری روبرو و بیشتر به عقب رانده شده است. کشورهایی که پناهجویان آنها را برای محل اقامت خود ترجیح میدهند. قرار نیست که دولتهای عضو اتحادیه اروپا، در به رسمیت شناختن حقوق پناهجویان در سطحی بالاتر و به نفع آنها همسان شوند. بلکه سطح همسانی آنها انتخاب سطح بیشترین تعرض به این حقوق است. در این میان اما، در این